

دخترانی که تمایلی به "بله گفتن" ندارند...

این روزها با نگاه اجمالی به خانواده خود، دوستان و آشنایان به دختران مجردی بر می‌خوریم که سن مناسب ازدواج را گذرانده ولی تمایلی به تشکیل خانواده و گفتن بله به خواستگارهای پشت در ندارند.



این روزها با نگاه اجمالی به خانواده خود، دوستان و آشنایان به دختران مجردی بر می‌خوریم که سن مناسب ازدواج را گذرانده ولی تمایلی به تشکیل خانواده و گفتن بله به خواستگارهای پشت در ندارند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، این دختران با وجود نگرانی‌هایی که از تنهایی دوران پیری دارند، ترجیح می‌دهند حلقه تعهد و تاهل به دست نکنند و آن‌طور که دوست دارند زندگی کنند. برخی دختران امروزی کفه تجرد را سنگین‌تر از تاهل می‌دانند و ترجیح می‌دهند به جای اینکه خود را گرفتار مسئولیت، استرس و مشکلات زندگی ناشوویی کنند، راحت و بی‌دغدغه به کار، تفریح و برنامه‌های شخصی خود برسند.

دخترانی که تجرد را انتخاب کرده‌اند، اغلب برای اینکه زیر بار ازدواج بروند معیارهای سختگیرانه‌ای دارند و حاضر نیستند به خاطر حرف مردم، فشارهای خانواده و ... به پسری که شرایطش چنگی به دل نمی‌زند جواب مثبت بدهند. بالا رفتن سن ازدواج و افزایش آمار تجرد قطعی در دختران حکایت از تغییرات اجتماعی و فرهنگی دارد که عده‌ای را بابت تضعیف بنیان خانواده، مواجه با بحران جمعیت پیر در سال‌های آینده، کاهش معنادار ازدواج، کاهش آمار تولد و ... نگران می‌کند و پرچم عده‌ای را هم به بهانه نزدیک شدن به تحقق حقوق زنان، دستیابی به آزادی و دستیابی به هویت مستقل برای کسانی که همیشه جنس دوم بوده‌اند بالا می‌برد...

نمی‌خواهم اسم هیچ مردی در شناسنامه ام باشد

سمیرا 28 ساله در پاسخ به اینکه چرا تاکنون ازدواج نکرده می‌گوید: من همیشه به دنبال حفظ استقلال، حریم شخصی و آزادی‌هایم بوده‌ام و به عقیده شخصی‌ام ممکن است ازدواج نه تنها به حفظ هویت فردی کمک نکند بلکه حقوقی که در دوران مجردی وجود دارد را هم تحت الشعاع قرار دهد.

وی در این باره توضیح می‌دهد: برخی دختران مجرد امروزی می‌توانند سفرهای خارجی داشته باشند، در هر رشته‌ای که دوست دارند ادامه تحصیل دهند، در هر زمان که دلشان بخواهد با دوستانشان مراد کرده‌اند و ... ولی گاهی وقتی اسم مردی در شناسنامه آنها ثبت شود، اوضاع تغییر می‌کند.

وی معتقد است: متأسفانه در کشور ما در برخی موارد بین حقوق زن و مرد متأهل توازنی وجود ندارد و همین باعث شده برخی دختران بعد از ازدواج دلشان برای دوران مجردی تنگ شود. من تا حالا با سه نفر از خواستگارانم درباره این مسائل صحبت کرده‌ام و آنچه از زندگی مشترک انتظار داریم را توضیح داده‌ام، همه آنها حرف‌های من را قبول داشتند و نگرانی برای حفظ حقوقم را حقیقی طبیعی می‌دانستند ولی همین که کار به این می‌رسید که این حقوق جزء شروط ضمن عقد ثبت شوند، پا پس کشیدند و فکر کردند با این کار بهشان ظلم می‌شود.

سمیرا تأکید می‌کند: من به شدت اعتقاد دارم بعد از ازدواج هم لازم است حریم شخصی و استقلال فردی زن و شوهر حفظ شود، با این حساب، ترجیح می‌دهم تا زمان پیدا شدن کسی که با این خواسته‌ها مخالفتی نداشته باشد، مجرد بمانم.

مهسا 36 ساله هم با اشاره به دلایل مجرد ماندنش می‌گوید: "راستش من در خانواده مرفهی بزرگ شده‌ام و حاضر نیستم با هر شرایطی تن به ازدواج دهم، الان در خانه پدری وضعیت خوبی دارم و در این شرایط جز گاه‌گداری که ترس از تنهایی در دوران پیری به سراغم می‌آید به فکر ازدواج نمی‌افتم. من بیشتر وقتم را با شغل و تفریحات مورد علاقه‌ام پر می‌کنم و اینطوری کمتر خلاء نبودن کسی به عنوان شریک زندگی به سراغم می‌آید. برخی دخترها با انگیزه مادر شدن ازدواج می‌کنند و بنده نیز اگر روزی تصمیم به بچه دار شدن بگیرم، ترجیح می‌دهم برای کودکی از پرورشگاه مادری کنم."

وی در پاسخ به اینکه آیا تا به حال با کسی به طور جدی برای تشکیل زندگی مشترک صحبت کرده یا نه می‌گوید:

"قطعاً خواستگارانمی داشتم و از بعضی از آنها خوشم آمده ولی چون نمی توانستند توقعات مرا در زندگی برآورده کنند ردشان کردم. بدیهی است منی که در ناز و نعمت بزرگ شده ام می خواهم بعد از ازدواج از لحاظ مالی وضعیتم بهتر از خانه پدری باشد والا چه لزومی دارد خودم را به سختی بیندازم؟"

پول برایم خیلی مهم است

وی با بیان اینکه وضعیت مالی مناسب یکی از فاکتورهای اصلی برخی دختران امروز برای گفتن بله به خواستگار است، می گوید: شاید انتظار من به نسبت اغلب دخترها از وضعیت مالی کسی که قرار است چندین سال با هم زندگی کنیم بالا باشد ولی عقیده دارم کسی که توان مالی برای فراهم کردن یک زندگی راحت و بی دغدغه را برای همسرش ندارد، بهتر است زن نگیرد!

وی اضافه می کند: "امروز برخی پسرها بدون داشتن شغل مناسب، پس انداز و حتی پول کافی برای خرید یک خانه به خواستگاری دختران می روند و بدیهی است بسیاری از آنها جواب دلخواه را نمی گیرند. درست که مهر و محبت در رابطه زناشویی مهم است ولی از این واقعیت نمی توان فرار کرد که مردی که صبح تا شب دنبال یک لقمه نان باشد و همیشه خدا هشتش گروی نه ش باشد، حوصله و انگیزه چندانی برای خوشبخت کردن همسرش ندارد."

مهسا با بیان اینکه بسیاری از مشکلات زن و شوهرها ریشه اقتصادی دارد، ادامه می دهد: متأسفانه بسیاری از اختلافات زن و مرد ناشی از مشکلات مالی است. وقتی مردی نتواند توقعات همسرش را برآورده کند، نباید انتظار داشته باشند اوضاع به شکل گل و بلبل و بدون هیچ مشکلی پیش برود.

نگرش به سن ازدواج تغییر کرده است

در ادامه این گزارش بی تا 26 ساله با اشاره به اینکه با بالا رفتن سن ازدواج دختران با خیال راحت تر میتوانند از دوران مجردی خود لذت ببرند، می گوید: تا دو- سه دهه پیش وقتی سن دختر از 22 سالگی می گذشت، به اصطلاح عامیانه ترشیده محسوب می شد و باید قید ازدواج با پسران جوان را می زد و چشم انتظار مردی سن دار، طلاق گرفته یا کسی که همسرش را از دست داده بود می نشست.

وی ادامه می دهد: خوشبختانه طی چند سال اخیر شاهد تغییر نگرش مردم نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران بوده ایم، امروز اگر دختری به 34 سالگی رسیده و مجرد مانده باشد، ترحم و دلسوزی بیجای مردم برانگیخته نمی شود؛ خوشبختانه در حال گذر از دورانی هستیم که حرف و حدیث ها پشت دختران مجرد کمتر شده و به ندرت پیش می آید خانواده ای به خاطر حرف مردم دخترشان را به زور شوهر بدهند.

وی اضافه می کند: بدون شک شرایط هنوز برای دختران مجرد ساکن در برخی روستاها و مناطق کوچک سخت است ولی با کمک رسانه ها و شبکه های اجتماعی مردم کم کم آگاه تر می شوند و به این نتیجه می رسند که مجرد بودن گاه یک انتخاب است نه اجبار. باید به جایی برسیم که در هیچ جای ایران دختران نه به واسطه فشار خانواده و نگاه های مردم بلکه از روی علاقه قلبی و با فراغ بال مردی که به ایده آل هایشان نزدیک است را انتخاب و تشکیل خانواده بدهند.

پسرها مقصر بالا رفتن سن ازدواج دختران هستند

فاطمه 33 ساله هم با اشاره به اینکه اغلب پسران امروزی معیار واقعی و درستی از ازدواج و تشکیل خانواده ندارند می گوید: بیشتر پسران حتی نمی دانند از چه دختری و با چه ویژگی هایی خوششان می آید و به نوعی بین سنت و مدرنیته گیر کرده اند.

وی اظهار می کند: به عنوان مثال آنها یک روز از ما انتظار یک زن اجتماعی و شاغل را دارند و یک روز دیگر توقع دارند دستپختمان به همان خوبی یک زن خانه دار باشد، یک روز می گویند هیچکس نباید مانع پیشرفت دیگری شود و روز دیگر می گویند وظیفه زن فقط این است که بنشیند خانه و بچه بزرگ کند، یک بار زنی با معیارهای گذشته را الگو قرار می دهند و یک بار زن موفق معاصری را در آن سوی دنیا.

وی توضیح می دهد: این سردرگمی باعث تردید در دختران برای انتخاب پسرانی شده که معیار مشخصی از مفهوم زن ندارند و در فضای فکری و فرهنگی متشنجی غوطه ور هستند.

وی همچنین به دیگر دلایل ترس برخی از دختران از ازدواج اشاره کرده و می گوید: گاهی روابط عاطفی شکست خورده و دوستی های از بین رفته و بی اعتمادی ناشی از آنها مانع از وارد شدن برخی دختران به روابط با هدف ازدواج می شود، البته شنیدن تجربیات تلخ دیگران از زندگی زناشویی هم گاهی مزید بر علت می شود تا دختران قید ازدواج را بزنند.

مهتاب یکی دیگر از دخترانی که سن ازدواج را سر گذارنده در توضیح مجرد ماندنش می گوید: دو سال بعد از اینکه دانشگاه قبول شدم از خانواده جدا شده و برای خودم خانه مستقلی اجاره کردم، همزمان با تحصیلم کارم هم می کردم و این باعث شد کم کم وابستگی اقتصادی ام به خانواده قطع شود. حالا حدود 14 سال است مستقل زندگی می کنم.

وی اضافه می کند: به عقیده شخصی بنده برخی دختران با انگیزه مستقل شدن و تجربه زندگی جدید به سمت ازدواج کشیده می شوند.

وی ادامه می دهد: نمی گویم احساس تنهایی نمی کنم، نمی گویم فکر کردن به آینده نگرانم نمی کند، نمی گویم گاهی دلم نمی خواهد یک رابطه عاطفی پایدار داشته باشم و مادر بودن را تجربه کنم. اینطور نیست. گاهی این احساس ها خیلی هم شدت می گیرد؛ ولی وقتی به زندگی بعضی از دوستانم نگاه می کنم که چطور بدون علاقه و تفاهم و فقط به خاطر فرار کردن از حرف مردم تن به زندگی مشترک داده اند و نارضایتی را در چشمشان می بینم، از تصمیمی که گرفته ام احساس رضایت می کنم.

مهتاب در ادامه راحت طلبی پسران امروزی را به عنوان یکی دیگر از دلایل دلسردیش برای ازدواج عنوان کرده و توضیح می دهد: واقعیتش این است جای بسیاری از دختران و پسران در جامعه ما عوض شده است. من دوستانی دارم که از ترس تنها ماندن پول توجیبی پسری که دوستش دارند را هم می دهند و این برای من اصلاً توجیه پذیر نیست.

وی خاطر نشان می کند: مرد و مردانگی تعریفی دارد که با رفتار بسیاری از پسران امروزی همخوانی ندارد. از قدیم زن ها به مردها تکیه می کردند ولی در جامعه ما این روند دارد شکل معکوس به خود می گیرد.

وی می گوید: برخی پسران امروزی در اولین جلسه آشنایی بیش از اینکه به دنبال شناخت طرف مقابلشان باشند، کنجکاوند که بدانند دختری که ممکن است همسرشان شود کجا کار می کند؟، پس اندازش چقدر است و چقدر حقوق می گیرد؟ بدون شک پسری که به ازدواج به شکل معامله نگاه می کند و می خواهد از طرف مقابلش بیشترین سود را ببرد فرد مطمئنی برای زندگی نیست.

مهتاب بیان می کند: البته دلایل کم رنگ شدن انگیزه ازدواج در دختران تنها به موارد مطرح شده محدود نیست و دلایل فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی بسیاری دارد که بسته به سن، شخصیت، تفکر و ... دختران کم رنگ و پررنگ می شود.

دخترانی که از زندگی مشترک غول بی شاخ و دم ساخته اند

در ادامه این گزارش یک دکترای مشاوره خانواده با بیان اینکه بالا رفتن سن ازدواج در دختران از فاکتورهای مختلفی ناشی می شود، می گوید: دخترانی که میل به ازدواج ندارند اغلب معیارهای تقریباً غیرقابل عبوری به عنوان ملاک انتخاب همسر برای خود تعیین کرده اند؛ معیارهای سفت و سخت آنها در مورد همسر آینده می تواند دلیل این تنهایی باشد اما باید کمی منطق را هم وارد این معیارها کرد.

رضوانه جباری ادامه می دهد: برخی دختران به امید اینکه در آینده خواستگاران بهتری سراغشان می آید، دچار وسواس فکری شده و موقعیت های فعلی خود را از دست می دهند. بدون شک در هر زمینه ای ممکن است انتخاب بهتری وجود داشته باشد ولی نباید فراموش کنیم انتظار برای ازدواج با مرد ایده آل منطقی نیست چون هیچ فرد کاملی در دنیا وجود ندارد و هنر زندگی مشترک رسیدن به تفاهم و تلاش برای اصلاح طرف مقابل است.

وی توضیح می دهد: دخترانی که در سن ازدواج قرار دارند باید نیازهای واقعی خود در زندگی زناشویی را بشناسند و از جنسیت روانی خود و جنسیت روانی طرف مقابل اطلاعات مفیدی به دست بیاورند.

وی ادامه می دهد: هیچ کس بیشتر از خودمان مسئول تصمیماتی که می گیریم نیست به همین دلیل دخترانی که برای ازدواج دو دل هستند و از زندگی زناشویی غول بی شاخ و دمی برای خود ساخته اند باید شجاعت تصمیم گیری را به خود بدهند و پای انتخاب خود بایستند.

در زندگی مشترک، سلامت مرد، مسئولیت پذیری، علاقه و اعتماد حرف اول را می زند

این دکترای مشاوره خانواده می گوید: در زندگی مشترک سلامت مرد، مسئولیت پذیری، علاقه و اعتماد حرف اول را می زند و موارد دیگری مثل وضعیت اقتصادی در پله های پایین تر قرار دارند.

وی اضافه می کند: بدون شک 99 درصد دختران نمی توانند با مردی که آنها را در پول غرق می کند ولی دوستشان ندارد، شکاک و بددهن است و برای موجودیت آنها ارزشی قائل نمی شود زندگی کنند به همین دلیل باید برای ازدواج به دنبال فاکتورهای زندگی ساز در طرف مقابلشان باشند و از پرداختن به حواشی خودداری کنند.

جباری توضیح می دهد: دختران برای آنکه بتوانند ازدواج کنند باید در ایده آل ها و الگوها و معیارهای آرمانی خود تجدید نظر کنند و فکر نکنند پسری که قرار است به خواستگاریشان بیاید سوار بر اسبی است که به دنیا آمده تا در مسیر زندگی آنها قرار گیرد و خوشبختشان کند.

وی با اشاره به اینکه همه دلایل بالارفتن ازدواج به سختگیری های دختران مرتبط نیست، می گوید: طی چند دهه گذشته شاهد تغییر نگرش عموم مردم نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران بوده ایم. در کنار این، آشنایی زنان با حقوق طبیعی خود، افزایش آگاهی آنها، پررنگ شدن حضور آنها در جامعه، ایجاد امکان برای طی کردن مدارج بالای تحصیلی، افزایش سهم آنان در اشتغال و ... هم در بالا رفتن سن ازدواج دختران بی تاثیر نبوده است.

این دکترای مشاوره خانواده توضیح می دهد: با نگاهی به جمعیت مجرد کشور، به این نتیجه می رسیم این تصمیم گیران هستند که باید برای مدیریت این شرایط وارد عرصه شوند. مسئولان باید در عین حالی که برای ازدواج و افزایش جمعیت، برنامه ریزی می کنند، به فکر جمعیت مجرد کشور هم باشند و آنها را به رسمیت بشناسند.

دولت با حمایت های بیمه ای و اعطای وام مسکن کمی از سختی های مجردان جامعه کم کند

جباری عنوان می کند: دولت در شرایط فعلی باید حمایت از این افراد به ویژه دختران مجرد را در برنامه های خود قرار دهد و با طرح هایی مثل حمایت های بیمه ای، اعطای وام مسکن، وام های ضروری و ... کمی از سختی های مجردان جامعه کم کند.

البرز در جایگاه هفتم مجرد قطعی مردان و 23 مجرد قطعی زنان

یک روانشناس با اشاره به اینکه سن مجرد قطعی در کشور 50 سالگی در نظر گرفته می شود، ادامه می دهد: طبق اطلاعات دریافتی از مرکز آمار، در سال 95 نسبت مردانی که در استان البرز تا 50 سالگی دست کم یک بار ازدواج کرده اند 97.51 است که با محاسبه این رقم رتبه کشوری البرز 25 است.

نگار کریمی با اشاره به وضعیت زنان در این حوزه می گوید: 95.46 درصد از خانم های البرزی هم تا سن 50 سالگی ازدواج را تجربه کرده اند و با این اوصاف رتبه کشوری البرز 9 است.

وی توضیح می دهد: در البرز 4.54 درصد زنان به سن مجرد قطعی رسیده اند، این یعنی البرز از این حیث بیست و سومین استان کشور است، این رقم برای مردان 2.49 درصد است که البرز را در جایگاه هفتم کشور در مجرد قطعی مردان قرار داده است.

وی خاطرنشان می کند: با توجه به وضعیت مجرد قطعی آقایان در استان اتفاقاً باید بیشتر نگران وضعیت آقایان مجرد استان بود. البته دختران زیادی در استان هستند که هنوز به سن 50 سالگی نرسیده و ازدواج نکرده اند ولی چون به سن مجرد قطعی نرسیده اند، در آمارگیریها لحاظ نمی شوند.

کریمی تاکید می کند: چون جامعه ما در حال گذار از مرحله سنتی به مدرن است، شاهد تغییر هنجارها و ساختارهای

ازدواج هستیم. در حال حاضر اغلب خانواده های ایرانی نه نگاه سنتی به ازدواج دارند و نه به طور کامل مدرنیته شدن در این امر را پذیرفته اند. تا زمانی که نگرش کلی جامعه به مقوله ازدواج در حالت توازن و تعادل قرار نگیرد شاهد مشکلاتی از قبیل بالا رفتن سن ازدواج، افزایش آمار افراد مجرد و ... خواهیم بود.